



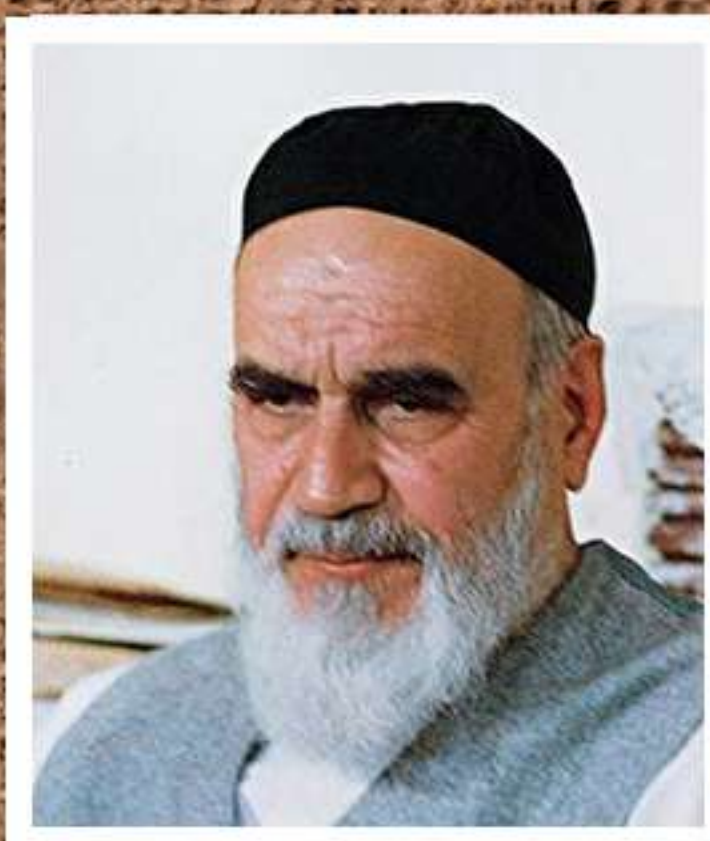
مدافعان

خودباوری در جنگ

بخشی از سخنان امام خمینی (ره)
درباره برکات دفاع مقدس

روایت و خاطرات

روایات و خاطرات رزمندگان
دوران دفاع مقدس



فانوس

به بله فکر نکنید

دست‌نوشته‌ای از شهید حسین علم‌الهدی
خطاب به خواهرش

لبخند بزن رزمنده

معرفی شهید محمود حق جو و بخشی از
وصیت‌نامه ایشان



حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها):

جَعَلَ اللهُ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ

خداوند جهاد را جهت عزت و سرافرازی اسلام مقرر فرموده است.
(بحار، ج ۲۹، ص ۲۳۳)

فانوس

به پله فکر نکنید

دست‌نوشته‌ای از شهید حسین علم الهدی خطاب به خواهرش: خواهر عزیز!

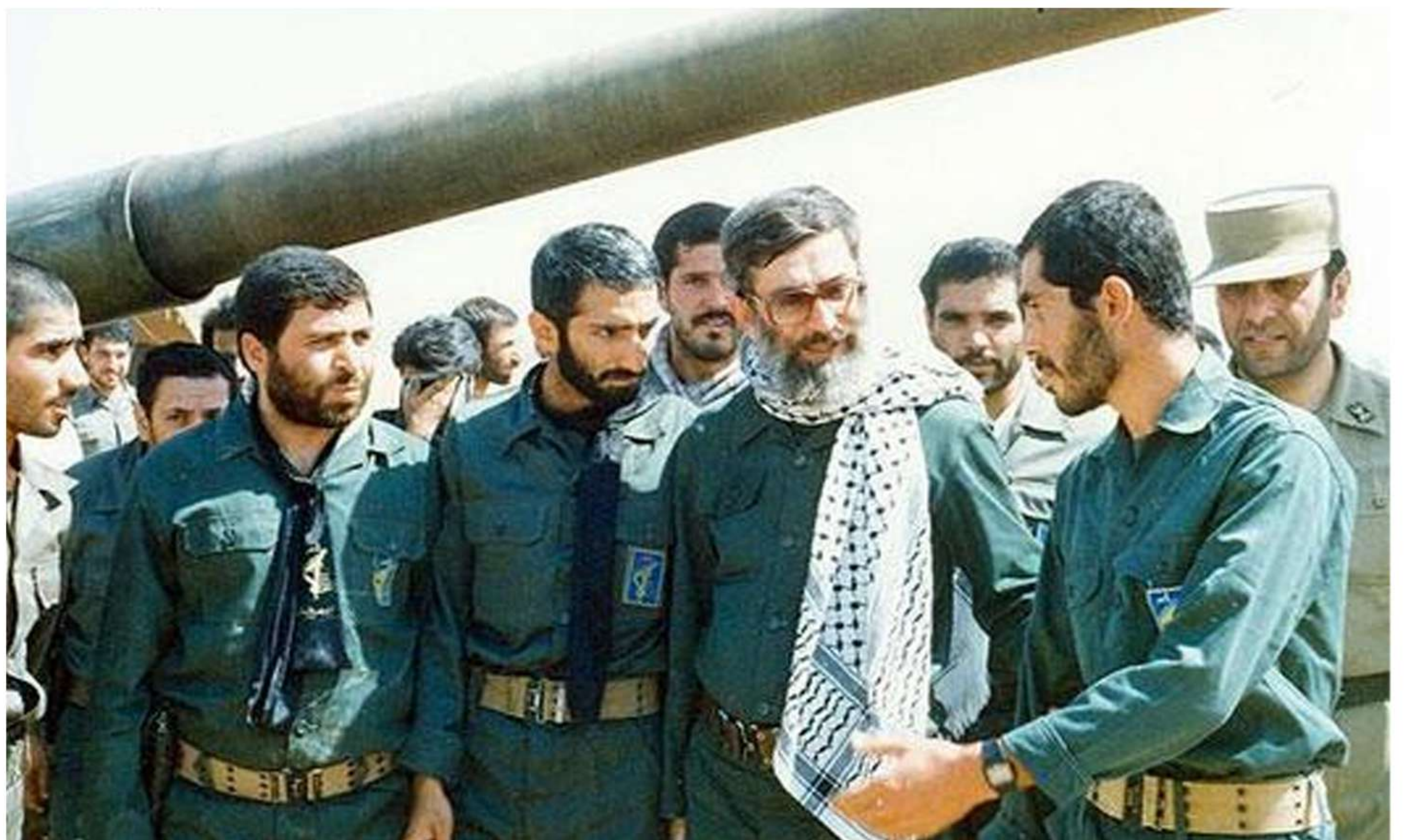
پس از اهداء سلام و درود، رسیدن به فلاح را برایتان آرزو می‌کنم.

چون در آغاز قدم گذاشتن در سال جدید از شما دور بودم و نتوانستم خود را به این راضی کنم که سال نو را آغاز کنم و در این لحظات حساس از عمر با شما سخن نگویم، ناچار برای اولین بار قلم به دست گرفتم و با شما حرف می‌زنم.

ساعتی پیش داشتم مطالعه می‌کردم. به یک جمله رسیدم. در مورد این جمله زیبا فکر کردم و مناسب دیدم که نتیجه این ساعات فکر را که در آستانه شروع سال جدید بود برایتان بنویسم.

روحانی گردان

آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن - را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست. ۲۴/۰۶/۱۳۸۸



شاندل Shandle متفکر بزرگ اروپای قرن بیستم در مورد چگونگی زندگی انسان در قرن بیستم می‌گوید: «انسان این عصر زندگی را وقف تهیه وسایل زندگی می‌کند».

ما زندگی را در رنج می‌گذرانیم تا راحتی و آسایش ایجاد کنیم؛ تمام عمر می‌دویم به این امید که لحظاتی بنشینیم؛ تمام عمر زحمت می‌کشیم تا استراحت کنیم و البته عمر می‌گذرد و راحتی و آسایش و نشستن و آرامش را لمس نمی‌کنیم و نمی‌یابیم. زیرا مرتباً از طریق اجتماع به ما نیازهای جدید تلقین می‌شود؛ نیازهای کاذب و مصنوعی که دائماً در آرم به وجود می‌آورند به وسیله تبلیغات است. تلویزیون را روشن می‌کنید، بعد از دو ساعت خاموش می‌کنید. به خودتان نگاه می‌کنید، می‌بینید هفت - هشت - احتیاج خرید تازه به وجود آمد که قبلاً لازم نداشتید؛ قبلاً مثلاً با خاکستر دیگ را می‌شستید، امروز حتماً باید پودر... بخرید. بوردا می‌خرید. زن روز می‌خرید. نگاه می‌کنید، در فکر تهیه لباس‌ها و مدل‌های آن می‌افتید. استعمار فرهنگی و فرهنگ‌زدائی از طریق تقلید، تشبه، رقابت، مصرف‌های مصنوعی و سمبلیک و جلب توجه است و اینجاست که به سخن عمیق محمد(ص) که «مَنْ يَتَشَبَهَ بَقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» که از کلمه «شبیبه» استفاده شده، اگر زندگی‌مان مثل اروپایی‌ها شد، اگر وضع لباس‌مان مثل مدل‌های ارائه داده شده زن روز و بوردا و خانم... شد، خود نیز از نظر خصوصیات انسانی و درک و انتخاب راه زندگی به سوی او شدن میل کرده‌ایم.

یکنواختی و قالبی شدن انسان‌ها در جوامع گوناگون و مخصوصاً در ملت ماکه مرتباً به وسیله برنامه‌های فرهنگی‌ماندر سطح وسیعی از طرف مسئولان امر پیاده

می‌شود، همه در قالب‌های ماشین‌ساز به خاطر بالا بردن مصرف جهانی، مخصوصاً [در] جهان سوم که دنیای صنعتی به ما تحمیل می‌کند. غارت اصالت‌ها، منابع معنوی و از بین رفتن خصوصیات زندگی شرقی و یا اسلامی که عبارت از مصرف هر چه کمتر و تولید هر چه بیشتر به وسیله عوامل آموزشی دگرگون می‌شود. چرا که اروپای صنعتی می‌بایست برای تولیدات اضافی خود مصرف‌کننده پیدا کند. و چه کند که بتواند کالای مصرفی بدهد و مواد تولیدی بگیرد و منت هم بگذارد و خود را هم بالاتر و متمدن قلمداد کند و اگر هم سواری خواست، خر خوبی تربیت کرده (باشد و...)!

ابتدا با استعمار فرهنگی کار خود را آغاز می‌کند و سپس از یک خصیصه پاک و اصیل خدایی که به رسم امانت به انسان داده شده استفاده می‌کند و آن تنوع که شکلی از تکامل است.

می‌بینیم (همراه با درد) که تمام فلسفه‌ها و مذاهب‌ها و ایده‌آل‌ها و عشق‌ها و خواستن‌ها و... خلاصه شده در این: اصالت مال زندگی مادی است. بنابراین وقتی زندگی مادی اصالت دارد، هدف، رفاه است. پس برای چه باید کار کرد؟ برای ساختن وسایل آسایش.

به نظر شما آیا انسان امروز بیشتر آسایش دارد یا انسان دیروز؟

پس همه نیروهای مان صرف فدا کردن آسایش زندگی، برای تهیه وسایل آسایش زندگی [است].

داستان شازده کوچولو را خوانده‌اید؟ آیا قربانی شدن آسایش زندگی برای چه؟ برای تکامل؟ برای تعالی؟ برای رفتن به حقیقت؟ برای رسیدن به ایده‌آل‌های مقدس انسانی؟ برای تقرب و نزدیکی به بهترین دوست و یار او (الله)، نه برای به دست آوردن وسایل آسایش زندگی...

زیستن برای مصرف، مصرف برای زیستن. یک دور باطل، دور حماقت، کار، استراحت، خوردن، خوابیدن؛ همین و بس!!

بهتر است کمی فکر کنیم ملاک ما برای شناختن افراد چیست؟ مثال می‌زنم: آیا وقتی مثلاً به خواستگاری می‌روید، چه می‌پرسید؟ می‌پرسید که آیا شما آدم باهوشی هستید؟ با شهامت هستید؟ چه مقدار وقار و اصالت دارید؟ چه مقدار قرآن را درک کرده‌اید؟ چه مقدار در تاریخ و اقتصاد و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و تفسیر و فهم سخنان ائمه(ع) مطالعه دارید؟ معلوماتتان چقدر است؟ و... هرگز!

درست همان‌گونه می‌اندیشیم و همان‌گونه انتخاب می‌کنیم که فرهنگ مادی بورژوازی غرب به ما تحمیل کرده و معیار ارزش‌ها مان بسته‌بندی شده از غرب می‌آید، اما خود نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و خیال می‌کنیم که اندیشه و فرمان اسلامی است؛ در صورتی که اندیشه‌ای که قرآنی به ما می‌خواهد بدهد، درست عکس آن است و با آن در تضاد کامل است و اصلاً اندیشه تربیتی قرآن برای از بین بردن چنین ارزش‌ها و معیارها و طرز تفکرها و برداشت‌ها و چنین شناختی است نسبت به زندگی، حیات و مسایل مادی، نیازها، آرزوها، خواست‌ها، ایده‌آل‌ها و...!

و ما تمام تلاش‌مان و ناراحتی‌ها مان و رنج‌ها و حتی نوع احساس‌ها مان در این است که بهتر زندگی کنیم؛ به جای اندیشیدن به اینکه چگونه باید زندگی کنیم و چرا؟ زندگی یعنی چه؟ تلاش برای چه؟ اصلاً چرا زندگی می‌کنیم؟ و به اینها توجه نداریم، چرا که نتوانستیم خود را از لجن فرهنگ بورژوازی نجات دهیم؛ از لجن مصرف بدون تولید، از لجن زندگی خلاصه شده در مادیات و

خطاب به بنی اسرائیل (همان قومی که پیامبر، ما را به آنها تشبیه می‌کند): متاع و زینت دنیا را حرام نکردیم بر مردم، بلکه اینها وسیله است برای مردم با ایمان و اینها فقط در دنیاست و البته در آخرت، بهتر از اینها را به مردم با ایمان خواهیم داد. به سوره کهف آیه ۷، سوره اعراف آیه ۳۱، سوره حدید ۲۰، سوره کهف ۲۸، سوره قصص ۷۸ و ۷۹، سوره احزاب ۲۸، سوره توبه ۳۸، سوره نساء ۷۷، سوره آل عمران ۱۸۵، سوره نحل ۱۱۷، سوره یونس ۲۳ و ۷۰، سوره رعد ۲۶، قصص ۶۰ و ۶۱، سوره غافر ۳۹، سوره شوری ۳۶، سوره زخرف ۳۵ مراجعه کنید. با دقت به سخن خدا گوش کنید تا چگونگی زندگی و راه و هدف و نوع نیازها و خواست‌های مان را از فرهنگ و ایدئولوژی قرآن بگیریم و به جهانیان ثابت کنیم که قرآن برای همهٔ زمان‌هاست و عمل کردن آن برای همهٔ نسل‌ها. منتظر پاسخ شما... برادران از مشهد - حسین

کسی که می‌فهمد استعدادها و نیروهای بسیار در وجود داشته، سرمایه‌های عظیمی خدا به او عطا کرده و [او] آنها را راکد در عالم خواب و ناآگاهی قرار داده، (همانند آب راکدی که می‌گندد و بوی بد می‌دهد) و در ثانی کار از کار گذشته و مرگ فرار سیده و راه بازگشتی نیست. هدف او (الله) از آفرینش انسان، تکامل به سوی اوست و سرمایه‌های مادی را در اختیار انسان گذارده تا در خدمت آن هدف به کار بریم، اما... چگونه به دست خود، استعدادها و نبوغ‌های مان را دفن می‌کنیم و در گورستان فراموشی رها می‌کنیم و به قول قرآن، زندگی مان کافران می‌شود؟! [«زَيِّنْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»]

کسانی که کفر ورزیدند و حیات دنیا برای آنان زینت داده شده و ایمان آورندگان را مسخره می‌کنند، ولی کسانی که تقوا پیشه کردند روز قیامت و حیات اخروی برایشان بسیار برتر و مهم‌تر است.»

در آیه ۱۴ سوره آل عمران مراجعه کنید و دریابید که در این آیه نقش زن در تعیین جهت فکری و مسیر زندگی مرد و اجتماع چگونه مطرح شده.

«الدنيا مزرعه الآخرة»

(آیه) ۱۲ (سوره) یونس. هر چه که نداشتیم از خدا می‌خواهیم و هنگامی که خدا آن را به ما داد، او را فراموش می‌کنیم. پس جزء مسرفین هستیم. زیرا آنچه را از نعمت‌ها که خدا به ما داده تا در راه رسیدن به او به کار بریم و اگر به کار نگیریم، مسرفیم.

کذلک زين للمسرفين ما كانوا يعملون... ان الله لا يحب القوم المسرفين.

(آیه) ۳۱ (سوره) اعراف. این آیه بسیار عمیق زیبا و رسا است؛

و تمام نیروهای خلاق و نبوغ‌های سرشار را در وسیله خلاصه کردن، درست مثل کسی که پله‌ای گذاشته تا خود را به پشت بام برساند، اما همین که پا روی پلکان اول گذاشت، آن قدر راجع به خود پله فکر کند، سوراخ - سمبه‌های آن، رنگ آن و... که لحظه‌ای خواهد رسید و مرگ گریبان او را گرفت و هنوز در فکر این است که پله چوبی را تبدیل به فلزی یا فلزی را تبدیل به کائوچو یا طلا و یا... کند و در نتیجه، عمر تمام می‌شود و خود را به پشت بام نرسانده.

خواهش می‌کنم این جمله را با دقت بخوان و فکر کن تا عظمت آن را درک کنی: «الناس نیام اذا ماتوا انتهبوا» (مردم خوابند، وقتی که مردند، متنبه می‌شوند، بیدار می‌شوند)...

نتایجی که من از این جمله گرفته‌ام به شما ارائه می‌دهیم، چه بسا که شما فکر کنید و به نتایج عمیق‌تری دست یابید: مردم خوابند؛

۱. خواب معمولاً در شب است و از خصوصیات شب، تاریکی و سیاهی و ظلمات است.
۲. کسی که خواب است از وقایعی که در اطرافش اتفاق می‌افتد، بی‌خبر است.
۳. کسی که خواب است از خود نیز بی‌خبر است.
۴. اگر دشمنی داشته باشد به سادگی می‌تواند او را از بین ببرد تا در دام بیندازد.
۵. هنگامی که خورشید که مظهر نور است و روشنایی طلوع کرد، انسان از خواب بیدار می‌شود.
۶. کلمه «ناس» به کار رفته به معنای توده مردم (است).
۷. چه کسی متنبه می‌شود، بیزار می‌شود، پشیمان می‌شود، بعد از آنکه بیدار شد؟



کوله پستی

سازش و سازگاری

در گرما گرم عشق نخستین، تفاوتها خود را نشان نمی دهند. دختر و پسر جوان، مجذوب یار خویشند و غرق دریای رؤیاهای شیرین، که هر یک در سیمای همسر عزیز خود، آرمانها و آرزوهای دیرین خود را می بیند و در آیینهی محبوب، گویا به چهره‌ی خویش می نگرد. اما دیری نمی پاید که این وحدت رؤیایی و این همگونی عاشقانه، در مواجهه با واقعیات زندگی و شخصیت متفاوت همسر، رنگ می بازد. تفاوت سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها در رویارویی با مسائل گوناگون زندگی هر روز بیش از گذشته خود را نشان می دهند. بی تجربگی و بی توجهی همسران جوان در مواجهه‌ی درست با واقعیتهای می تواند در همین روزهای آغاز زندگی، آنان را با چالشهای فراوانی روبه‌رو کند. و گاه تبعات آن تا سالها باعث ناراحتی و رنجش طرفین شود. جوانان عزیز ما با کوتاه آمدن از ایده آلها و پذیرش شخصیت واقعی همسر، با همه‌ی تفاوتها و تقویت درک متقابل، می توانند بنیان زندگی مشترک خود را به مدد الهی هر روز محکم تر کنند. رهنمود پیر فرزانه‌ی ما ره توشه‌ی دیگری برای راه پرفراز و نشیب زندگی است: باهم بسازید ...

امام ره فرمودند: بروید با هم بسازید
من یک وقت خدمت امام رفتم. ایشان می خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند، تا من را دیدند گفتند: شما بیا طرف عقد بشو! ایشان بر خلاف ما که طول و تفصیل می دهیم و حرف می زنیم، عقد را اول می خواندند، بعد دو سه جمله‌ای کوتاه

صحبت می کردند. من دیدم ایشان پس از اینکه عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند:

«بروید با هم بسازید.»

من فکر کردم دیدم که ما این همه حرف می زنیم، اما کلام امام - ره - در همین یک جمله بروید و با هم بسازید خلاصه می شود!

سازگاری یعنی چه؟

سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، به خصوص سالهای اول، این چهار پنج سال اول، باهم سازگاری داشته باشید. این طور نباشد که یکی اندکی ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتما در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسرتان ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید. این از آن جاهایی است که سازش و کوتاه آمدن خوب است. ۱۸۷

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر یک ذره این گوشه یا آن گوشه اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش به طور طبیعی انجام می گیرد و اراده‌ی شما را نمی خواهد. اینکه می گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید.

معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاریهایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از

یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاریهایی حس کند، آیا باید این جا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری اش نمی شود کرد، خب با او بسازید.

سازش کاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نبایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هر چه گفتند همان شود. آنچه خودشان می پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین می کند همان بشود. نه، این طور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که باهم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمی شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیاید.

سازگاری در زندگی، اساس بقای زندگی است و همین است که محبت می آفریند. همین است که موجب برکات الهی می شود. همین است که دلها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم می کند

یک تعبیر خوب اروپایی

اصل مسأله‌ی ازدواج، عبارتست از تفاهم و انس و اتحاد دو موجود در زندگی با یکدیگر که این البته در اصل یک امر طبیعی است. لکن اسلام با پیرایه‌ها و تشریفات و آئینهایی که قرار داده و با احکامی که گذاشته برای ازدواج، یک استمرار و برکتی به آن داده است.

زن و شوهر باید یکدیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است ولی تعبیر خوبی است ... یعنی هر کسی درد و خواسته‌های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید، به این می گویند درک کردن. یعنی به قول معروف در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. اینها محبت را زیاد می کند.

علمدار



سیر جهاد تبیین از فرهنگ میگذرد

دکتر محسن غنی‌پاری

چرا جهاد تبیین واقعی تاکنون شکل نگرفته است؟ آسیب شناسی شما از این مسئله چیست؟

هرجا موضوع درست تبیین شده ما موفق بودیم ولی هرجا که ضعیف بودیم نمیدانستیم یا درست تبیین نشده بود. یکی از جاهایی که درست تبیین نشده بحث فرهنگ است. در بحث نظامی میدانیم که چه می‌خواهیم، در مسائل سیاسی میدانیم که چه می‌خواهیم اما آیا در مسائل اقتصادی هم میدانیم که چه می‌خواهیم؟ در مساله فرهنگی هم موضوع به همین شکل است و واقعا نمیدانیم که چه می‌خواهیم. نمونه آن این است که ۴۰ سال از انقلاب گذشته است، تبلور نگاه دولتها به فرهنگ در وزارت ارشاد آنها خالصه میشود. اگر نگاه کنیم میبینیم که سینوسی هستند

و هرکدام یک مدل عمل میکنند. جالب است که کسی هم ایراد نمیگیرد چون هیچکس نمیداند که ما دنبال چه میگردیم. در واقع ما یک قرارگاه مرکزی فرهنگ آرمانی برای انقلاب لازم داریم. چرا میگوییم قرارگاه مگر جنگ است؟! بله جنگ است. جنگ به صورتهای گوناگون وجود دارد؛ جنگ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... جامعه آرمانی فرهنگ ما کجاست و مدینه فاضله ما چیست؟ پس نمیدانیم و درست تبیین نشده است؛ در نتیجه وزارتخانه‌های ما هم نمیدانند و نهادهای فرهنگیمان هم بی اطلاع هستند. هرکسی از ظن خود شد یار من و هرکسی هر چیزی را که فکر میکند درست است به آن عمل میکند.

هیچ انسانی بی عیب نیست!
اگر دیدید که همسران یک نقطه عیبی دارد - هیچ انسانی بی عیب نیست - و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند. آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد. پس بنا بگذارید بر تحمل.

اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید.

علت متلاشی شدن بنیان خانواده
اسلام در داخل خانواده ترتیبی داده که اختلاف درون خانواده به خودی خود حل شود. به مرد دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. به زن هم دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. مجموع این ملاحظات اگر انجام بگیرد، هیچ خانواده ای قاعدتاً متلاشی نخواهد شد و از بین نخواهد رفت. غالباً متلاشی شدن خانواده‌ها به خاطر این بی‌ملاحظگی هاست. مرد بلد نیست که رعایت کند؛ زن، بلد نیست که عقل به خرج بدهد، او تندی و خشونت بی حد می‌کند، این بی‌تحملی به خرج می‌دهد، همه‌اش ایراد دارد، خشونت او هم ایراد دارد، سرکشی این هم ایراد دارد. اگر او خشونت نکند، اگر یک وقتی اشتباه کرد، این سرکشی نکند، ملاحظه کنند، با همدیگر بسازند، هیچ خانواده‌ای تا آخر متلاشی نخواهد شد و خانواده باقی می‌ماند.

سازگاری دو طرفه

در قدیم بیشتر می‌گفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه وظیفه سازگاری را قائل نبودند.

و ادبیات انقلاب را بشناسند. رمان های انقلاب و آرمان های دفاع مقدس را بخوانند، مشکل ما اینجاست. دوستانی که وارد این عرصه میشوند چقدر مطالعات دارند؟ ما به جای اینکه بچه ها و جوان هایمان را روزنامه خوان کنیم، خبرخوان کنیم، باید کتابخوان کنیم. دیگر لازم نیست ما کاری کنیم، آنها خواننده هایشان را که به فضای مجازی منتقل کنند حتی اگر از نظر فنی ضعیف باشیم، وقتی محتوا دست ماست آن را در ظرف دشمن میریزیم. به مربی یک تیم فوتبال گفتند که شما دروازه بان خوبی ندارید و گل میخورید. گفت: اگر یکی بخورم، دوتا میزنم یعنی خط حمله بسیار قوی دارم. باید خط حمله قوی داشته باشیم یعنی کسانی را باید داشته باشیم که دانش و بینش و انگیزه داشته باشند، اگر این ها با دانش وارد نشوند، دوست دارند که کمک کنند ولی نمیتوانند. در حال حاضر خیلی ها از شهید رجایی اطلاع ندارند و حتی اسم او را نشنیده اند. اندیشه های امام، شهید مطهری، شهید رجایی و شهید بهشتی کجاست؟ درمورد اندیشه های رهبر انقلاب هم همینطور. واقعا ما اندیشه های رهبر انقلاب را نمیشناسیم و برداشت های سطحی میکنیم و متأسفانه براساس آن برداشتهای سطحی نیز عمل میکنیم

باتبیین حقایق

اطرافتان را مثل یک چراغ روشن کنید...

هر یک از شما به عنوان یک وظیفه مثل یک چراغی، توری پیرامون خودتان روشن کنید.
رهبر انقلاب (۱۴۰۰/۷/۵)



آنها تولید محتوا میکنند ولی ما تولید محتوا را کنار گذاشته ایم. ما داریم به پله دوم توجه میکنیم و میگوییم این سایت یا شبکه را راه اندازی کنیم ولی ما اول باید تولید محتوا کرده و آن را تقویت کنیم. باید کتاب های زیادی تولید کنیم؛ در اختیار گرفتن فضای مجازی در جهاد تبیین این نیست که ما سایت راه اندازی کنیم، بلکه این است که ما محتوا تولید کنیم. فیلم خوب ساختن کارگردان و چهار دوربین نمیخواهد، متن هم میخواهد. اگر شما متنی به خوبی بینوایان نوشتید، چندین و چند کارگردان میآیند و از روی آن فیلم میسازند و به ده ها زبان آن را تجربه میکنند. وقتی شما متن خوب تولید کنید، مقاله خوب تولید کنید که به زبان آنها نزدیک باشد با مردم ارتباط برقرار میکنید، در آن صورت مردم به آن روی میآورند

راهکارهایی برای مؤثرتر کردن جهاد تبیین

من فکر میکنم ما ظرفیت، پتانسیل و انرژی بالایی در جنگ نرم داریم. این پتانسیل را به جای آنکه به سمت مسائل سطحی سوق دهیم، باید به سمت مسائل عمقی سوق داده شوند؛ برای اینکه به سمت مسائل عمقی سوق داده شوند، باید همان سربازان جنگ نرم را درست آموزش بدهیم؛ مثلاً درباره سینمای دینی. آیا سینمای دینی این است که ما بحث کنیم سینمای دینی چیست؟ به جای آنکه بخواهیم بحث کنیم که سینمای دینی چیست، باید کارگردان دیندار تربیت کنیم که دیگر نیازی به بحث در این مورد نباشد و خودش چند فیلم دینی بسازد و ارائه دهد. اولین مرحله این است که ما نیرو را تربیت کنیم و این تربیت ظاهری نباشد. غیر از اینکه باید پاسخ دشمن را بدهیم، باید در ابتدا حرف خودمان را بزنیم. بحث دیگر این است که جوانان ما باید تاریخ انقلاب را بشناسند و تاریخ دفاع مقدس و

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید: درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکردهام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شدهام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده ام.

تاریخ برای عبرت آموزی است. تاریخ به یقین یکی از ابزارهای اصلی جهاد تبیین است. تاریخ با توجه به مفهوم امروزی آن از تولید به مصرف است و تولید به مصرف ترین نوع تاریخ ما تاریخ شفاهی است. توجه به تاریخ یقیناً لازم است و دشمن هم آن را خوب فهمیده است. به همین دلیل است که به واقعیت های تاریخی حمله کرده و آنها را تحریف میکند.

متأسفانه ما در تولید مشکل داریم و در مرحله واکنش قرار داریم. دوستان جوانمان بیشتر از اینکه به این قسمت بها بدهند سایت و

شبکه های راه اندازی میکنند ولی توان تولید محتوا ضعیف است. مشکل ما بیشتر در زمینه تولید محتواست، نه بسترهای فضای مجازی.

اینکه فیلم هالیوود میتواند تأثیرگذار باشد و فیلم های ما خیر به این دلیل است که ما فیلمنامه خوبی نداریم تا بتوانیم فیلمی را در مقابل آنها بسازیم. باید عمیق تر فکر کرده و آدم هایی تربیت کنیم که متن تولید کنند، چرا وقتی ۱۴۰۰ سال از اسلام گذشته، پایه های اسلام

قویتر شده است؟ چون عدهای در حوزه علمیه نشسته و برای هر شبهه دینی دارند محتوا تولید میکنند اما برای شبهه های تاریخی ما کسی را ملزم نکرده ایم که محتوا تولید کند

برکات دفاع مقدس، از زبان امام خمینی (ره)

خود ایرانیها خود ارتشیها این قطعات را درست کردند. اگر قبل از این بود، یکی از آن قطعات را نمی توانستند درست کنند؛ از باب اینکه شخصیتشان را گم کرده بودند، می گفتند باید متخصص بیاید. من اعتقاد است که اگر ما در محاصره اقتصادی یک ده سال، پانزده سال واقع بشویم شخصیت خودمان را پیدا می کنیم؛ یعنی همه مغزهایی که راکد بودند در آن وقت و نمی توانستند فعالیت بکنند به فعالیت می افتند.

* شکوفایی استعدادها در اثر محاصره اقتصادی

امروز متفکران ملت بزرگ ما، در اثر محاصره اقتصادی، مغزهای خود را به کار انداخته اند و نقصانهای موجود را به طور چشمگیری رفع و زیانهای ناشی از محاصره را با کوشش شبانه روزی خود به مقدار زیاد جبران نمودند. امروز دولت ایران با پشتیبانی ملت، قویتر و سرسخت تر در مقابل دشمنان ایستاده است.

* رشد خلاقیتها صنعتی در ملت شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی توانید صنعت درست بکنید و نمی توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است خودتان آنها را درست بکنید، تا این باور هست، نمی توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید؛ اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم. این قدرت در همه افراد بشر بقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود].

همانگونه که انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام خمینی (س) به پیروزی رسید، در دفاع مقدس نیز با رهنمودها و فرماندهی ایشان ادامه یافت، و آنچه حاصل شد دستاوردی عظیم بود؛ چرا که در دویست سال اخیر، برای اولین بار ایران در جنگی نابرابر حتی یک وجب از خاک خود را از دست نداد؛ از مستشاران خارجی کمک نگرفت؛ روی پای خود مردانه ایستاد؛ در صنایع دفاعی به خودکفایی رسید؛ حتی در اوج جنگ از رفتن به پای صندوقهای رأی برای تعیین سرنوشت، غفلت نکرد و خود را به عنوان قدرتی که می تواند پشتوانه مستضعفان جهان باشد تثبیت کرد.

آنچه در ادامه می خوانید گزیده ای از فرمایشات حضرت امام خمینی (س) درباره برکات دفاع مقدس است:

رشد خلاقیتها

* دستیابی ملت به پیشرفت های دفاعی مدرن

انزوا اگر پیدا شد، انسان خودش را بهتر پیدا می کند. دیروز چند تا، دو سه تا جوان آمدند و یک تفنگی را، که من خوب نمی شناسم تفنگ چه هست، آوردند نشان دادند، گفتند: این را ما خودمان درست کردیم. وقتی هم به ارتش نشان دادیم گفتند صحیح است و خوب است و وسایل را فراهم می کنیم. این برای این است که چنانچه ما منزوی نبودیم، هیچ وقت به فکر این کار نمی افتادند.

* خودباوری در جنگ

شما دیدید در این جنگ تحمیلی که پیش آمد و محاصره اقتصادی ما شدیم،



آقا قسم به جان شما خوب می شوم
باور کن آخرش به خدا خوب می شوم

حتی اگر گناه خلاق کشم به دوش
با یک نگاه لطف شما خوب می شوم

این روزها ز دست دل خویش شاکیم
قدری تحملم بنما خوب می شوم

من ننگ و عار حضرتان تا به کی شوم
کی از دعای اهل بکا خوب می شوم

جمعی کبوتر حرم فاطمی شدند
من هم شبیه آن شهدا خوب می شوم

گر چه دلم ز دوری تان پر جراح است
در چشمه سار ذکر و دعا خوب می شوم

من بدترین غلام حقیر ولایتم
ای بهترین امام، بیا، خوب می شوم

با این همه بدی به ظهور شما قسم
با یک نسیم کرب و بلا خوب می شوم

معراج

امروز روز رحمت نیست امروز روز
انتقام است

خشمی که پنهان بود، امروز، شمشیر
بیرون از نیام است

تا چند ساعت وقت دارید، در سوگ
این دریا بگریید

تا چند ساعت بعد دیگر هم خنده هم
گریه حرام است

تا چند دور و دیر باشیم؟ وقت است تا
شمشیر باشیم

ماندن برای زخم سم است، گریه برای
مرد دام است

ایرانیا! از خواب برخیز، با خویش با
این خواب بستیز

خاک عزا را بر سرت ریز، در کوچه
بنگر ازدحام است

خوش بود خوابت با ظریفان، اینت
بهای خواب، بنگر:

خورشید را کشتند، آری، بار دگر آغاز
شام است

تنهاست ایران، آه از ایران، تنهاست
انسان، آه از انسان

وقتی که رنجش جاودانی ست، وقتی
نشاطش بی دوام است

ایران من! این رستم توست، در خون
تپیده، رنج دیده

این کشته دور از وطن، آه، فرزند پاک
زال و سام است

این یوسف زیبای من بود، که گرگ ها او
را دریدند

هنگامه خشم است ای دل! فرصت
برای غم تمام است



باورهای ما، همه وابستگی داشت. اگر افکار
یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته
باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا
می کند. عمده این است که افکار شما آزاد
بشود، افکار شما از وابستگی به قدرتهای
بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و
باورتان آمد که ما می توانیم که صنعتمند و
صنعتکار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و
باورتان این باشد که ما می توانیم مستقل
باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید
توانست. اگر کشاورزان ما باورشان این باشد
که ما می توانیم در کشاورزی به جایی برسیم
که صادر کنیم و وابسته به غیر نباشیم، بلکه
دیگران به ما محتاج باشند، می توانند. اگر
شماهایی که در صنعت هستید و پرسنل
صنعتی [هستید] در ارتش این باور را داشته
باشید و به تجربه این باور را امروز دارید که
می توانید صنّاع باشید و می توانید کارهای
ابتکاری بکنید، خواهید توانست

با این تجربه ای که در این دو سال شماها
کردید، دیدید که آن حرفهایی که گفته
می شده است تبلیغات بوده است و
مسائل آنطور نبوده است. این تبلیغات
بوده است که در مقابل قدرتهای بزرگ
نمی شود نفس کشید و باید تسلیم
قدرتهای بزرگ شد... این پیروزی که شما
به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده
بود که می توانید؛ باورتان آمده بود که
امریکا نمی تواند به شما تحمیل بکند. این
باور اسباب این شد که آن کار بزرگ
معجزه آسا را شماها انجام دادید و چنانچه
شما ملاحظه می کنید که در این دو سال
در کشور ما صنعتهای زیادی که آنها انجام
می دادند، خودشان انجام می دهند و
باورتان باشد که خود ما هم می توانیم،
صنعتی داشته باشیم و می توانیم ابتکاری
داشته باشیم. همین باور توانایی، شما را
توانا می کند. اساس این باور است که آنها
از ما گرفته بودند. آنها ما را از همه چیز
تهی کرده بودند، به طوری که افکار ما،

راوی

کردها به هر کسی برادر نمی‌گویند؛ در زمانی که حاج احمد در منطقه بود، حدود ۳ هزار نفر از افراد گروهک‌های کومله و دمکرات که فریب حرف‌های ضدانقلاب را خورده بودند، خود را به حاج احمد تسلیم کردند. کاک احمد یک‌بار در جاده «دزلی» پیرمردی را سوار ماشین کرد، او را به جای خود بر صندلی جلوی ماشین نشاند و خودش پشت وانت نشست. حاج احمد بعد از قرار گرفتن در جریان مشکلات پیرمرد، تصمیم گرفت تا برای او و خانواده‌اش غذا و نفت ببرد. به طوری که او از دزلی تا مله‌خورد که سه ساعت پیاده‌روی دارد، بدون ماشین در حالی که دو گالن نفت نیز به همراه داشت، به منزل آن پیرمرد رفت تا آنها را خوشحال کند. در واقع حاج احمد، اسطوره‌ای بی‌بدیل است. کردها به هر کسی برادر نمی‌گویند؛ مگر این که مردانگی‌اش برایشان ثابت شده باشد، اما حاج احمد برای همه ما #برادر_احمد بود.



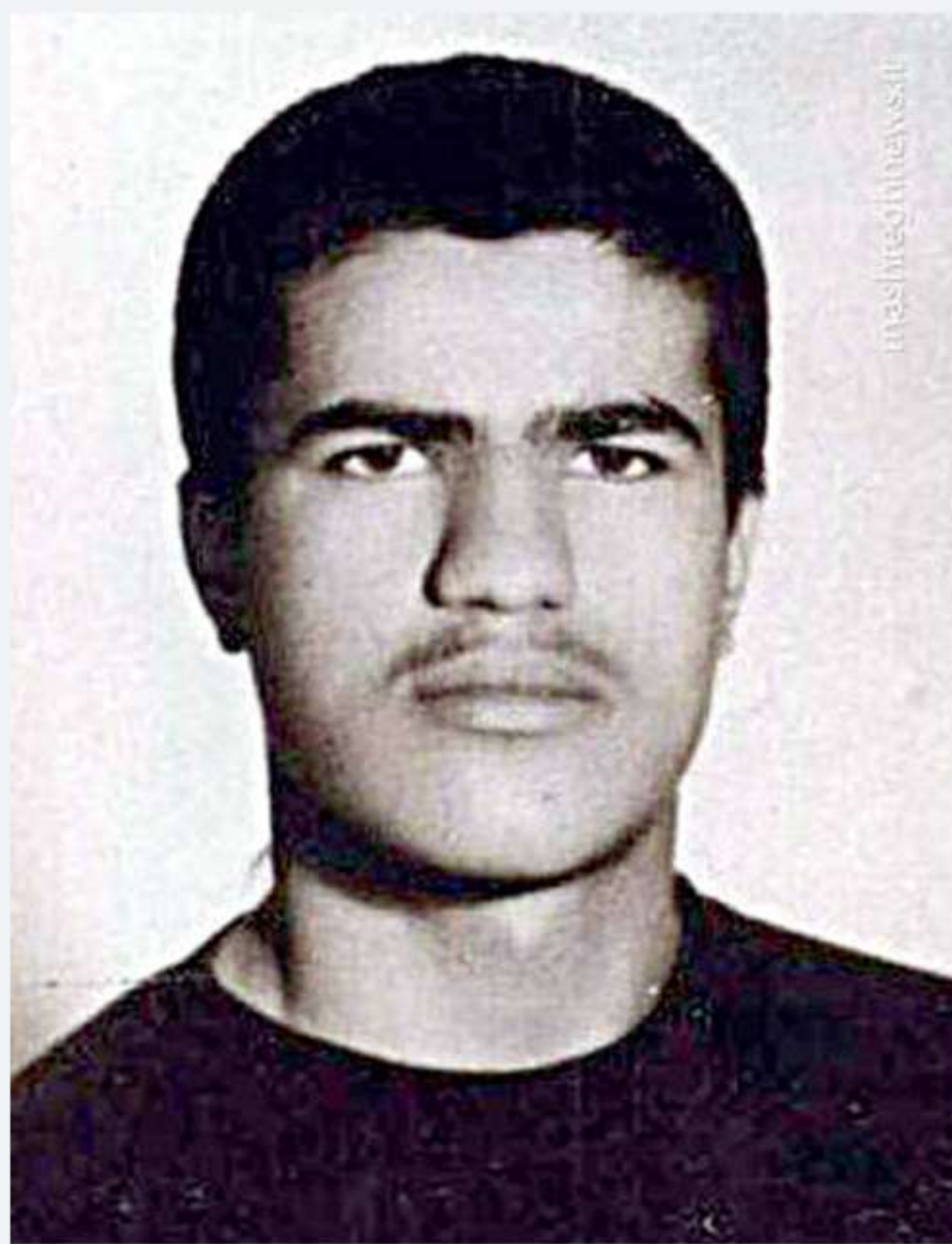
موقعیت کاری از دستمان بر نمی‌آمد، اتفاقاً موقع برگشتن از عملیات دوباره او را دیدیم این بار کمکش کردیم تا از کانال بیرون بیاید. او هم ما را شناخت. پسر بدله‌گویی بود. گفت: من شهید شده‌ام، ولی نمی‌خواهم خانواده‌ام بفهمند، آخر من تک فرزند هستم و پدر و مادرم طاقت ندارند به همین خاطر خودم را به مجروحیت زده‌ام.

لبخند بزن رزمنده

خودم را به مجروحیت زده‌ام سال ۱۳۶۳ بود و ما در عملیات والفجر ۴ شرکت کرده بودیم. در منطقه‌ی مریوان، پنجوین. موقع رفتن چشم‌مان افتاد به یک بسیجی که داخل کانال بود، زخمش خیلی عمیق نبود. اصرار کرد که او را کمک کنیم. ما در آن



حرف‌های شهیدانه



نام: محمود
نام پدر: علی
تاریخ تولد: ۴۸/۸/۹
محل شهادت: شلمچه
سن: ۱۷

بارالها! شیطان رانده شده، کارهای باطل و حسد بر خلق را بر قلبم القای کند، تو به فضل خود و به تذکر عظمت و تفکر در قدرت و نابودی دشمنانت، تلاش او را محو گردان. به حمد و ثناس خود؛ از زبانم غیبت، بدگویی و عیب جویی از خلقت! را از زبانم دور گردان.

بارالها! در نهایت ضعف و ناتوانی به درگاه بی‌منت‌های تو با اطمینان روی آورده‌ام و می‌دانم که در درگاه تو برای من نباید جایی باشد چرا که هیچ توشه‌ای با خود نیاورده‌ام که سزاوار رحمت تو باشم، اما به فضل تو اطمینان دارم، پس بار پروردگارا! به عظمت و جلال و فضلت مرا در روز محشر، انسان ظاهر ساز چرا که تنها آنانی که به دست تو بخشیده می‌شوند انسانند. خدایا! بر قلبم خدا ترسی و تقوا و بر زبانم کلام حق و هدایت جاری ساز؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

دیده بان

* کتاب «پروین اعتصامی» در

همدان رونمایی شد

مراسم رونمایی از کتاب پروین اعتصامی به کوشش مریم زرنشان با همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان و با همکاری انجمن ادبی پروین اعتصامی برگزار شد. معاون امور فرهنگی و رسانه ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان در این مراسم اظهار کرد: در حوزه پرداختن به پروین اعتصامی، فعالیت‌های ما اکثراً در قالب چاپ دیوان اشعار این بانوی شاعر است؛ اما در خارج از کشور در مورد پروین اعتصامی مقالات متعددی نوشته و مطالب گسترده ای عنوان شده است. کتاب (پروین اعتصامی به کوشش مریم زرنشان) به تازگی توسط انتشارات گویا، برای رده سنی نوجوانان در بازار کتاب عرضه شده است. زرنشان متولد ۷ مرداد ماه ۱۳۵۴ در همدان و نویسنده و شاعر ادبیات داستانی کودکان و فارغ التحصیل کارشناس حرفه ای مدیریت امور فرهنگی و عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و عضو انجمن اهل قلم ایران است. او تاکنون انتشار ۴۸ عنوان کتاب در حوزه شعر و داستان کودک و نوجوان را در کارنامه ادبی و هنری خود دارد.

* برگزاری پویش به رسم جوانمردی

در همدان

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان همدان از برگزاری «پویش به رسم جوانمردی» و کمک به نیازمندان به مناسبت عید غدیر خبر داد. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان همدان از

برگزاری بیش از ۷۰ عنوان برنامه به مناسبت دهه ولایت و امامت خبر داد و اظهار کرد: اعزام مبلغ به مناطق مختلف و تبیین مناسبت‌های عید قربان و عید غدیر به ویژه برای نوجوانان و جوانان در دستور کار است.

* چاپ دوم کتاب «صاحب دل بی دل» رونمایی شد

«محمد برخوردار» مدیر ادبیات و تاریخ اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان همدان اظهار داشت: همزمان با فرا رسیدن روز قلم، سلسله نشست‌های تخصصی کتاب دفاع مقدس استان همدان با عنوان «میعاد قلم» برگزار شد. وی افزود: در این برنامه از چاپ دوم کتاب «صاحب دل بی دل» در وصف زندگینامه شهید «محمد گودرزی» به قلم «مریم سلیمی هیزجی» که توسط انتشارت «حماسه ماندگار» در ۱۷۹ صفحه به چاپ رسیده، در مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس استان همدان رونمایی شد.

* مصحف شریف کاتب قرآن

همدانی تقدیم رهبر انقلاب شد

چهارمین مصحف شریف کتابت شده از سوی مرتضی شعبانی، استاد خوشنویسی همدانی روز گذشته در دیداری خصوصی به محضر رهبر معظم انقلاب تقدیم شد. کاتب قرآن و خوشنویس همدانی، در گفت و گو با ایکنای همدان از دیدار خود با رهبر معظم انقلاب و تقدیم آخرین کتابت قرآن خود به محضر ایشان خبر داد و اظهار کرد: پس از گذشت یک سال از اتمام کتابت مصحف شریف و پیگیری‌ها و نامه‌نگاری‌هایی که با دفتر مقام معظم رهبری انجام شد در نهایت روز گذشته، ۱۴ تیرماه همزمان با روز قلم این توفیق نصیب شد و مصحف را به محضر ایشان تقدیم کردم.

* چاپ ۴ کتاب ادبیات پایداری کودک در استان همدان

نشست تخصص نویسندگان ادبی کودک پایداری استان همدان با حضور خانم کلر ژوبرت نویسنده بین المللی کودک با محوریت اندیشه پایداری و هنر ماندگار برای بالا بردن سطح علمی نویسندگان ادبیات پایداری استان برای معرفی ۸ هزار شهید استان برگزار شد. کلر ژوبرت در این نشست گفت: برای تاثیر پذیری داستان واقعی کودکان باید داستان را با داستان تخیلی آمیخت. در بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ۴۰ نویسنده و نو قلم بخش کودک فعالیت دارند و تا پایان امسال قرار است ۱۲ جلد کتاب در حوزه ادبیات پایداری کودک چاپ کنند و امسال ۴ کتاب طعم آب، شمعدانی، قمقمه ها می‌خندند و بچه‌های مریم خانم رونمایی و به مرحله چاپ رسیده است.

* نمایشگاه «مروری بر روند کشف

حجاب در همدان» برگزار شد

همزمان با روز ملی عفاف و حجاب و به همت مدیریت اسناد و کتابخانه ملی منطقه غرب کشور به مرکزیت همدان، نمایشگاه از اسناد و عکس‌های مربوط به ابلاغ و اجرای قانون لباس متحدالشکل و کشف حجاب در استان همدان برگزار شد. مدیر اسناد و کتابخانه ملی منطقه غرب کشور در این نمایشگاه که به صورت حقیقی و مجازی و ، ۱۳ عنوان سند و عکس تاریخی مربوط به دهه ۱۳۱۰ با موضوع اوضاع سیاسی و اجتماعی همدان در جریان واقعه کشف حجاب به نمایش گذاشته شده است. وی اضافه کرد: این نمایشگاه در وب سایت مدیریت اسناد و کتابخانه ملی منطقه غرب کشور و فضای مجازی مرتبط با این مدیریت در معرض دید علاقمندان است.

روز شمار پایداری (مردادماه)

روز شمار انقلاب و دوران دفاع مقدس
استان همدان در مردادماه سال‌های
۱۳۵۷ تا ۱۳۶۹:

* ۱۳۵۷/۵/۴: تشییع جنازه باشکوه
مرحوم آیت‌الله معصومی همدانی و اولین
راهپیمایی عظیم مردم انقلابی علیه رژیم
پهلوی، که در طول مسیر بسیاری از مراکز
فروش مشروبات الکلی و یکی از مراکز
فساد به آتش کشیده شدند و در پی آن با
تیراندازی عوامل رژیم، جمشید شرفخانی
به عنوان اولین شهید انقلاب در استان
همدان به شهادت رسید و پس از این
حادثه در سراسر استان، خیزش انقلابی
مردم علناً آغاز شد.

* ۱۳۵۷/۵/۲۸: شهر نهاوند پس از دخالت
عوامل رژیم در جلوگیری از مراسم
مذهبی در ماه مبارک رمضان یکپارچه
اعتراض مردم را به دنبال داشت که پس از
آن اکثر مراکز فساد و مجسمه شاه مورد
حمله تظاهرکنندگان قرار گرفت و با
تیراندازی عوامل رژیم تعدادی از مردم
مجروح و یا دستگیر شدند.

* ۱۳۵۸/۵/۳: حرکت ستون زرهی پادگان
تیپ سوم زرهی همدان به سمت
کردستان جهت سرکوب ضدانقلاب
داخلی.

* ۱۳۵۸/۵/۲۰: حضور گسترده نیروهای
مردمی و سپاه استان همدان جهت
جلوگیری از سقوط شهر پاوه و شهادت
اولین پاسدار استان "شهید محمود بیک
محمدی".

* ۱۳۵۸/۵/۲۵: آزادسازی شهر پاوه؛
سرگرد خلبان محمد نوژه در عملیات
هوایی علیه ضدانقلاب داخلی در اطراف

شهر پاوه به شهادت رسید.

* ۱۳۵۸/۵/۲۶: اقامه اولین نماز جمعه در
همدان پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

* ۱۳۵۸/۵/۳۰: محاصره شهر تکاب بیجار
شکسته شد و نیروهای سپاه همدان جهت
برقراری امنیت به این منطقه اعزام شدند.

* ۱۳۵۹/۵/۱: اعزام اولین سری نیروهای
سپاه همدان به پاسگاه‌های مرزی
قصرشیرین و سرپل ذهاب با شروع شرارت
های رژیم بعثی عراق در نوار مرزی غرب
کشور در سه پاسگاه (تيله کوه، باباهادی و
دارخور).

* ۱۳۵۹/۵/۱۳: انفجار بمب در مقابل مسجد
جامع همدان پس از اتمام نماز توسط ضد
انقلاب داخلی منجر به مجروحیت ۲۰ نفر و
شهادت اولین شهید زن استان همدان "مهر
انگیز مکنیتیان" شد.

* ۱۳۶۰/۵/۵: رزمندگان تیپ سوم زرهی
شهید قهرمان در یک عملیات حماسی به
مواضع دشمن در محور طراح - جلالیه تک
کرده و پس از تصرف کرانه شمالی رودخانه
کرخه نور و به اسارت در آوردن تعداد زیادی
از نیروهای دشمن، به تحکیم مواضع خود
پرداختند.

* ۱۳۶۱/۵/۱: تشکیل خط پدافندی محور
چپ (جنوب غربی) شهر قصرشیرین توسط
نیروهای استان همدان پس از عقب‌نشینی
دشمن با نام محور حبیب ابن مظاهر.

* ۱۳۶۱/۵/۱۵: عملیات ثارالله با رمز یا ثارالله
در محور شمال قصرشیرین توسط دو گردان
از نیروهای بسیج استان همدان به وقوع
پیوست. هدف از انجام این عملیات کور
نمودن دید دشمن نسبت به جاده سرپل
ذهاب - قصر شیرین و تصرف برخی از
ارتفاعات مهم مرزی بود. هم زمان با انجام

این عملیات دشمن اقدام به تک سنگینی
در محور حبیب ابن مظاهر نمود که با
مقاومت نیروهای استان به شکست انجامید.

* ۱۳۶۲/۵/۴: شهادت سردار رشید "سید
حسین سماواتی" فرمانده گردان ۱۵۴ در
منطقه دالاهو.

* ۱۳۶۲/۵/۹: پس از به وجود آمدن وضعیت
بغرنج در منطقه عملیاتی والفجر ۲ و انتقال
رزمندگان تیپ ۳۲ انصارالحسین (ع) به
منطقه، نیروهای گردان ۱۵۲ بر روی ارتفاع
۳ هزار متری کدو در منطقه حاج عمران
عراق هلی برن شدند و با تصرف این ارتفاع
جناح جنوبی عملیات را تثبیت کردند.

* ۱۳۶۲/۵/۱۴: آغاز مرحله دوم عملیات
الفجر ۲ با رمز یاالله یاالله یاالله در منطقه
حاج عمران عراق آغاز شد. در این عملیات
رزمندگان استان همدان در قالب تیپ ۳۲
انصارالحسین(ع) به استعداد پنج گردان
پیاده و با هدف تسلط بر تنگه دربند و جاده
رواندوز و تصرف ارتفاعات یال کله اسبی،
کله قندی و ارتفاع ۲۰۱۹ وارد عمل شدند و
پس از تصرف و تثبیت تمامی اهداف خود به
مدت پنج ماه با وجود شتاد بسیار، پدافند
منطقه را نیز عهده دار بودند و تمامی
حرکات مذبوحانه دشمن را در این مدت
سرکوب کردند.

* ۱۳۶۲/۵/۲۰: ساخت پل بر روی رودخانه
گلاس توسط جهادگران استان همدان در
منطقه عملیاتی والفجر ۲.

* ۱۳۶۳/۵/۱۷: اجرای کمین از سوی
ضدانقلاب در مسیر جاده سردشت و
شهادت محمدحسین غلامی معز و جمعی از
نیروهای جهاد سازندگی استان.

* ۱۳۶۵/۵/۱: ارسال وسیع کمک‌های
مردمی استان به جبهه‌ها.

* ۱۳۶۶/۵/۹: فاجعه کشتار حجاج ایرانی در مکه در حین انجام راهپیمایی براءت از مشرکین و شهادت ۹ نفر از حجاج همدانی در این حادثه از جمله سردار رشید عزت الله شهبانلو فرمانده گردان از تیپ نبی اکرم(ص).

* ۱۳۶۷/۵/۲: اعزام بی سابقه هزاران تن از نیروهای بسیجی استان همدان به مناطق عملیاتی غرب.

* ۱۳۶۷/۵/۲: شهادت امیر سرتیپ ابوالحسن خرمرودی فرمانده ژاندارمری ناحیه ایلام در منطقه عملیاتی ایلام.

* ۱۳۶۷/۵/۴: عملیات سد و ممانعت از حرکت ستون خودرویی و نیروهای منافقین توسط دلیرمردان گردانهای ۱۵۵ و ۱۵۴ در تنگه چهارزبر که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر و منهدم شدن دهها دستگاه خودرو و تانک آنان شد. همچنین در این روز گردانهای ۱۵۱، ۱۵۹، ۱۵۷ و ۱۵۶ نیز در تنگه اول استقرار یافتند و از ادامه پیشروی منافقین جلوگیری کردند. در این عملیات فرمانده گردان ۱۵۴ سردار رشید بهرام مبارکی به شهادت رسید.

* ۱۳۶۷/۵/۴: تیزپروازان پایگاه هوایی شهید نوزه با بمباران نیروها و امکانات منافقین ضربه محکمی بر پیکره نیروهای ضد انقلاب وارد کردند.

* ۱۳۶۷/۵/۵: نیروهای گردان ۱۵۳ در بامداد این روز عملیاتی علیه مواضع منافقین انجام دادند که طی آن سردار رشید مهدی ملکی فرمانده گردان به همراه تعدادی از نیروها به شهادت رسیدند.

* ۱۳۶۷/۵/۵: بمباران «رادار سوباشی» و

شهادت ۱۹ نفر از پرسنل فداکار این مرکز(آخرین بمباران دشمن در استان همدان) در وصف مقاومت و رشادت مردم غیور استان همدان همان بس که نزدیک به ۵۰۰ بار این استان مورد حمله هوایی قرار گرفته که از این تعداد ۱۳۰ بار نقاط مسکونی استان بمباران شده و نزدیک به ۸۰۰ نفر از مردم بیگناه که ۳۳۶ نفر زنان و ۱۹۵ نفر کودکان معصوم را شامل می شدند به شهادت رسیدند و ۶۰۰۰ نفر نیز مجروح به دنبال داشته است. در این راستا بیش از ۱۶ هزار واحد مسکونی، تجاری، صنعتی و سایر موارد تخریب و ۳۲ میلیارد ریال خسارت وارده به استان همدان بوده است.

* ۱۳۶۷/۵/۶: عملیات حماسی مرصاد بارمز یا صاحب الزمان (عج) ادرکنی آغاز شد، در این مرحله نیروهای لشکر ۳۲ انصارالحسین(ع) با هجوم به مواضع منافقین، تنگه دوم چهارزبر را آزاد کردند و

رفاقت

انبار مهمات

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس؛ به موجب فرمان مقام معظم فرماندهی کل قوا و بند ۲۲ شرح وظایف ستاد کل نیروهای مسلح، در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۲ تأسیس شد که در اساسنامه «بنیاد» نامیده می شود.

اساسنامه ی این بنیاد در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱ به تصویب مقام معظم رهبری رسید و به موجب تدابیر مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ معظم له، اصلاح گردید.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس برابر مصوبه گردشکار شماره ۷۰۷۲۴ مورخه ۱۳۸۳/۱/۲۴ فرماندهی معظم کل قوا در تابعیت ستاد کل نیروهای مسلح قرار دارد.

تماس با ما

آدرس دفتر مرکزی بنیاد: تهران، خیابان شهید دکتر بهشتی، خیابان شهید جواد سرافراز، کوچه شهید افشین حق پرست
آدرس روابط عمومی بنیاد: تهران، میدان فردوسی، ابتدای خیابان ایرانشهر جنوبی، بن بست شناسا
<http://bonyaddefa.ir>

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مصطفی غفاری / طراح و صفحه بندی: نرگس طاوه ئی / زیر نظر هیات تحریریه / باتشکر از: اکرم رسولی، سیدبصیر مصطفوی، امیرحسین منطقی. تلفکس: ۰۸۱۳۴۲۲۱۱۹ / سامانه پیامک: ۳۰۰۰۶۴۹۹۹۹۹۹۹ / ایمیل: modafean.h@gmail.com / سایت دریافت و انتشار: www.hamadankhabar.ir/fa